

## چکیده

در این مقاله تلاش شده که با استفاده از استعاره سیمرغ عطار و تطبیق وادی‌های هفت‌گانه موجود در منطق‌الطیر با دوره‌های گذشته حیات بشری، به پیش‌بینی دوره‌های پیش روی بشر پرداخته شود. به عبارت دیگر، با بررسی ویژگی‌های عمده چهار دوره طی شده در زندگی بشر - ایللیاتی، کشاورزی، صنعتی و اطلاعات - با ویژگی‌های چهار وادی اولیه در منطق‌الطیر - طلب، عشق، معرفت و استغنا - به این نتیجه رسیدیم که وجوه تشابه معنی‌داری میان آنها وجود دارد. از بین روشهای تحقیق، با توجه به ماهیت موضوع و اینکه بیان عطار در منطق‌الطیر یک بیان نمادین به شمار می‌رود؛ تلفیقی از روش تحقیق هرمنوتیک و عقلانیت نقاد برگزیده شد که در آن تلاش می‌شود مراد مولف از نوشتن یک متن درک و انتقادات خبرگان پاسخ داده شود. لذا با استفاده از روش‌های فوق، بر پایه شباهت‌های یافت شده در مراحل پیشین و با استفاده از ویژگی‌های سه وادی بعد - شامل توحید، حیرت و فنا - به پیش‌بینی سه عصر احتمالی پیش روی جامعه بشری - شامل همگرایی فناورانه، هوش مصنوعی و ابر انسان - پرداختیم.

کلید واژه:

آینده‌پژوهی؛ استعاره؛ مراحل حیات بشری؛ هفت وادی؛ روش هرمنوتیک

آینده پژوهی جوامع بشری با استعاره

ای از منطق‌الطیر عطار

سید سپهر قاضی نوری (نویسنده مسئول)

استاد دانشگاه تربیت مدرس

ghazinoory@modares.ac.ir

مسعود افشاری

## مقدمه

صحبت از آینده بشریت موضوع بسیار پیچیده و گسترده‌ای است. سخن از آینده، بحث از چگونگی تغییر یا ثبات برخی از جنبه‌های بنیانی و مهم حیات در طولانی‌مدت است. هدف از آینده‌پژوهی، ایجاد دانش و بصیرتی است که بتواند مسیر را برای دستیابی به آینده‌ای آگاهانه انتخاب شده هموار نماید (Slaughter, ۲۰۰۰). واضح است که امکان اشتباه در پیش‌بینی آینده وجود دارد اما می‌توان اینگونه بیان کرد که جنبه‌های گوناگون آینده با درجات مختلفی از دقت و قابلیت اطمینان قابل پیش‌بینی هستند.

یکی از راه‌های رایج در پیش‌بینی مسیر آینده، استفاده از استعاره‌هاست (McDermott, ۱۹۹۰). استفاده از استعاره در حوزه سازمانی، موضوع تازه‌ای نیست و عقیده رایج در تحقیقات پسامدرن، استفاده از استعاره در حوزه تحقیقات مدیریتی است. برخی محققان و فلاسفه در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به کارآمدی استفاده از استعاره برای توضیح دادن برخی پارادایم‌های سازمانی اشاره نمودند. پس از آن، استفاده از استعاره در حوزه سازمانی به عنوان ابزاری روشمند برای توضیح جنبه‌های مختلف سازمان و اجتماع رواج یافت.

تلاش ما در این مقاله آن است که با استفاده از ابزار استعاره و با نگاهی به روند گذشته حیات بشری و سازمانی، به پیش‌بینی آینده بشر بپردازیم و برای این منظور از استعاره سی مرغ و سیمرغ عطار استفاده می‌کنیم.

عطار، فیلسوف و شاعر شهیر ایرانی است که ملای روم در وصف وی بیت معروف:

هفت شهر عشق را عطار گشت ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم" را سروده و با همین یک بیت، جایگاه وی را برای ابد بر تارک فرهنگ و ادب پارسی تضمین کرده است.



عطار در منطق الطیر خود می‌کوشد که روند تکامل بشر در سیر معنوی وی را نشان دهد و همین باعث شده است که ما برای آینده‌پژوهی خود از همین استعاره بهره بگیریم تا جایگاه فلسفه عرفای ایران را بیشتر نمایان و رفیع سازیم.

### هفت وادی سلوک در منطق الطیر عطار

منطق الطیر، یعنی زبان مرغان که به کنایه، گفتگو کردن با مردم است به زبانی که مردم آن را دریابند و یا از سویی به زبانی سخن بگویند که محتسبان قشری و فقیهان ظاهری از دریافت آن ناتوان باشند (منزوی، ۱۳۵۹). در منطق الطیر عطار آنچه رخ میدهد، فرایند و سفری معنوی است که به یافتن یک «مکان اقتدار جمعی» منجر می‌شود و این معنا که آن «مکان جمعی» در حقیقت چیزی نیست جز یگانگی و وحدت اقتدار «جمعی از انفاس» که هفت وادی طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و خودفراموشی را طی می‌کنند و خالق مکانی مقدس می‌شوند که مکان وحدت و اقتدار است. هزاران مرغ با یکدیگر قرار می‌گذارند که به دیدار سیمرغ بشتابند اما در میان طی مراحل گوناگون، اکثر آنان در ادامه مسیر ناتوان می‌گردند و در نهایت، تنها سی مرغ به پیشگاه سیمرغ راه می‌یابند. سیمرغ در لغت به معنای مرغ افسانه‌ای و موهوم است. شیخ اشراق در رساله خود، صفیر سیمرغ، به نحوی سخن می‌گوید که سیمرغ قابل انطباق با انسان کامل است (صفیر سیمرغ، ۱۳۷۴). اما سیمرغ در منطق الطیر همان معشوق کل است. آنچه عطار از ویژگی‌های سیمرغ بیان می‌کند وجودی مستقل، مستغنی بالذات و جامع جمیع کمالات است که انطباق بر حضرت حق را به ذهن متبادر می‌کند

چون نگه کردند این سی مرغ زود بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود  
بی زبان آمد از آن حضرت خطاب کآینه است این حضرت چون آفتاب



شکل ۱: تجلی سی مرغ در سیمرغ

شاید قدیمی‌ترین مراحل هفت‌گانه سلوک که فرد با طی آن‌ها می‌تواند به کمال دست یابد، هفت آیین مهرپرستی (هفت خوان میترائیسم) باشد. در این آیین، سالک تحت نظارت یک مرشد، باید سختی‌هایی را در مراحل هفت‌گانه طی می‌کرد تا به سر منزل مقصود دست یابد. این مراحل عبارتند از: ۱- مقام کلاغ (تازه واردان باید مدتی خدمتگزاری می‌نمودند)، ۲- مقام همسران یا پوشیدگان (خاص مردان بود که رازداران آیین می‌توان بودند)، ۳- مقام سرباز (که سالک باید رشادت‌هایی از خود نمایش می‌داد)، ۴- مقام شیر (کسب شجاعت اخلاقی علاوه بر شجاعت جسمی)، ۵- مقام پارسی (که پارس‌ها در شجاعت و آزادگی سرآمد بودند)، ۶- مقام خورشید (که مهر و خورشید رابطه نزدیکی با هم داشتند) و ۷- مقام پیر یا مرشد (که عالی‌ترین مقام بود).

### روند حیات جوامع بشری

محققان مختلف، از دیدگاه‌های گوناگونی به دسته‌بندی تاریخ زندگی بشری پرداخته‌اند. اما با در نظر گرفتن محتویات کتاب‌های تاریخ تمدن (ویل دورانت)، موج سوم (الوین تافلر) و تاریخ تمدن: از کهن‌ترین روزگاران تا سده ما (هنری لوکاس)، می‌توان اینگونه اظهار نمود که طبق اصلی‌ترین دسته‌بندی، بشر در دوران حاضر در حال گذار از چهارمین به پنجمین دوره حیات خود می‌باشد. این پنج دوره به ترتیب عبارتند از: دوره ایلیاتی، دوره کشاورزی، دوره انقلاب صنعتی، دوره اطلاعات و دوره همگرایی فناورانه. در این بخش به طور مختصر به بیان ویژگی‌های هر دوره می‌پردازیم.



## عصر ایلیاتی

نخستین موجوداتی که بتوان نام انسان را بر آنها گذارد، ظاهراً در اوایل دوره یخ بندان زیسته‌اند. آنان جویندگان سرگردان خوراک بوده‌اند چرا که هنوز تولید خوراک از راه کشاورزی یا دامپروری را نیاموخته بودند. جنگ‌افزارهای سنگی و یا نیزه‌های خیزران داشتند و برای گردآوری میوه‌های جنگلی، ریشه‌های گیاهی، عسل وحشی، گرفتن جانوران و ربودن لاشه حیوانات سر به جنگل می‌گذارند. جا و مکان ثابتی برای زیستن نداشتند و از ساقه و برگ درختان سرپناه می‌جستند. ابزارهای آنان ساخته شده از چوب، سنگ و استخوان بود. این عصر به عنوان "آغاز سنگی ۱" نامیده می‌شود و در حدود ۵۰۰ هزار سال قبل بوده است. با گذر زمان، این انسان‌ها پیشرفت کردند تا جایی که انسان نئاندرتال با شکستن سنگ آتشنزله از محل‌هایی خاص، موفق به ساخت ابزارهای نوک تیز شد. عصر پارینه سنگی حدود ۱۲۰۰۰ سال قبل از میلاد به پایان می‌رسد و طولانی‌ترین عصر تاریخ فرهنگ است. پس از آن عصر نوسنگی آغاز می‌شود که تا ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد را شامل می‌شود. تفاوت عصر پارینه سنگی و نوسنگی در کشت و کار و دامپروری بوده است. در پایان عصر نوسنگی روستاها پدید آمدند و با یکجانشین شدن مردم، نیاز به تجارت و داد و ستد کالاها پیدا شد. در اواخر عصر نوسنگی، قایق، چرخ، خیش، لبنیات، آسیاب و ... ایجاد شد (لوکاس، ۱۳۷۰).

## عصر کشاورزی

انقلاب کشاورزی حدود ۱۰۰۰۰ سال پیش در مناطق حاصلخیز خاورمیانه آغاز شده است (Bostrom, ۲۰۰۹). در آغازین سال‌های دوره کشاورزی، جمعیت حدود ۵ میلیون نفری صیاد-گردآورنده‌ها به حدود ۲۰۰ میلیون افزایش یافت (Bureau, ۲۰۰۷). «ویل دورانت» آغاز فعالیت کشاورزی را نخستین انقلاب اجتماعی مهم تلقی کرده و بر این عقیده است که عبور انسان از دوران شکار به دوران کشاورزی، سرآغاز تمدن بشری به شمار می‌آید (دورانت، ۱۳۳۷). در پایان عصر نوسنگی (حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد)، در کنار رودخانه‌ها و مناطق ساحلی روستاها پدید آمدند. با روستانشین شدن انسان‌ها، عصر کشاورزی آغاز شد و تا اواسط قرن ۱۸ ادامه یافت. در این دوره، زمین مبنای اقتصادی و زندگی و فرهنگ و ساختار خانواده و سیاست را تشکیل می‌داد و همچنین تعداد طبقات اجتماعی از قبیل اشراف، روحانیون، رعایا و رزم‌آوران مشخص بود. منبع انرژی این عصر عبارت بود از نیروی عضلانی انسان و حیوانات، خورشید، باد، آب و درختان و ابزارهایی که در این دوره ساخته می‌شدند در راستای افزایش نیروی عضلانی انسان بودند. در این دوره، خانواده‌ها بصورت دسته‌جمعی زندگی می‌کردند و به صورت یک واحد تولیدی کار و کشاورزی می‌کردند. لذا گروه عظیمی مصرف‌کننده تولیدات خود بودند و فقط عده اندکی به تجارت تولید مازاد، اشتغال داشتند. افراد در محدوده خود اطلاعات محدود و هماهنگ از محیط دریافت می‌کردند (تافلر، ۱۳۷۲).

## عصر صنعتی

با پیشرفت‌های خوبی که در اواخر دوره کشاورزی ایجاد شده بود، زمینه برای ظهور ابداعات و اختراعات گسترده آماده شد. در این دوره، اختراعات و اکتشافات بسیاری از قبیل ماشین بخار، تلگراف، راه آهن و ... ظهور کرد اما شاید بتوان آغاز دوره صنعتی را با اختراع ماشین بخار توسط جیمز وات در سال ۱۷۶۵ میلادی در انگلستان شناخت (نهر، ۱۳۷۷). پس از انگلستان، سایر کشورهای غرب اروپا (مانند فرانسه و آلمان) و آمریکا نیز پای در این راه نهادند. این در حالی بود که این موج در سایر کشورها بسیار دیرتر آغاز شد و حتی برخی کشورهای جهان سوم، هنوز در مراحل ابتدایی آن به سر می‌برند.

## عصر اطلاعات

عصر اطلاعات، دوره‌ای است که به دوران حاضر اطلاق می‌شود و با توانایی افراد برای انتقال آزاد اطلاعات و دسترسی سریع به دانش همراه است. می‌توان آغاز این دوره را به اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی با اختراع رایانه شخصی و اوج گیری آن را به دهه ۱۹۹۰ میلادی با شروع استفاده از اینترنت نسبت داد. عصر اطلاعات، ارتباطات سریع جهانی و ایجاد شبکه‌های بین‌المللی را به همراه داشته است (Hilbert and Lopez, ۲۰۱۱). در این دوره، اطلاعات عنصر اصلی و مهم جامعه است و پایه‌های تولید کالاها و خدمات را فراهم می‌کند. در این دوره، افراد به میل خود به اطلاعات مورد نظر خود، در زمان مورد نظر خود به اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنند و دیگر در



محدودیت زمان و مکان قرار ندارند. عصر اطلاعات باعث دگرگونی ماهیت کار گردیده است یعنی دیگر کارها به مکان وابسته نیستند و در هر مکانی شخص می تواند کارهای خود را انجام دهد. بنابراین، کارها دوباره به محیط خانواده بر می گردند.

### عصر همگرایی فناوریانه

همگرایی فناوریانه به معنای همگرایی فناوریهایی است که قبلاً به صورت جداگانه پیش می رفته اند اما اکنون برای دستیابی به اهدافی خاص با یکدیگر تلفیق شده یا ارتباط مستحکم تری دارند. مانند فناوری صوت، داده و تصویر که اکنون برای برقراری ارتباطات زنده با یکدیگر تلفیق شده اند.

حدود ۵۰۰ سال قبل، دانشمندان دوران رنسانس در زمینه های مختلف علمی به طور همزمان سرآمد بودند. اما امروزه، تخصص به بخش های مختلف تقسیم شده و هر کس تنها در حوزه کوچکی دارای تخصص است. علوم مختلف به حدی پیشرفت کرده اند که اگر می خواهند به رشد سریع خود ادامه دهند باید با یکدیگر متحد شوند. همگرایی علوم می تواند آغازگر یک رنسانس جدید فناوری، شناخت ریاضیات سیستم های پیچیده و درک جدیدی از روابط علی-معلولی در جهان فیزیکی از سطح نانو تا ابرکاهشان ها باشد (NSF report, ۲۰۰۳).

محققان مختلف، به بررسی تاثیرات همگرایی فناوری های گوناگونی پرداخته اند که مهمترین و مشهورترین آنها در حال حاضر، همگرایی فناوریهای نانو، زیستی، اطلاعات و شناختی است (NBIC) ۲. فناوری های دیگری نیز در این زمینه بررسی شده اند که عبارتند از: ژنتیک، نانو و رباتیک، ژنتیک، رباتیک، اطلاعات و نانو و ژنتیک، رباتیک، هوش مصنوعی و نانو.

احتمالات جدیدی برای پیشرفت بشری از طریق فناوری های همگرا پیش بینی می شود. چنین تصور می شود که این همگرایی، اکتشافات علمی انقلابی و امکانات جدیدی را برای کاربردهای فنی ایجاد می نماید. جنبه هایی نظیر افزایش توانایی حواس انسان، افزایش کارایی مغز و کاهش فرسودگی بدن و در نتیجه، عمر بیشتر از طریق دستکاری مولکولی بدن، می تواند از جمله پیامدهای این همگرایی باشد. همچنین، پیامدهای دیگری مانند افزایش کارایی یادگیری و کار، بهبود ظرفیت های شناختی، بهبود کارایی گروهی و فرد و تکنیک های ارتباط موثر از طریق ارتباط مغز به مغز (که می تواند موجب تغییر در چرخه مدیریت دانش شود) برای این همگرایی متصور است (Grunwald, ۲۰۰۷).

حال سوال این است که بشر ازین پس به کجا خواهد رفت و چگونه مراحل ترقی را طی خواهد نمود؟ برای پاسخ به این سوال؛ ما از روشهایی استفاده کرده ایم که در بند بعدی خواهد آمد.

### روش شناسی تحقیق

#### استعاره

مقصود از استعاره، دسته خاصی از فرایندهای زبانی است که در آنها جنبه های یک شیء به شیء دیگر، منتقل می شوند به نحوی که از شیء دوم به گونه ای سخن می رود که گویی شیء اول است.

تمثیل ها و استعاره ها صرفاً برای درک فرد و جامعه به کار نمی آیند، بلکه در نحوه مدیریت و رهبری مفید می افتند. مدیران با شناخت نوع سازمان که به کمک استعاره ها رخ داده با درکی واقعی به مدیریت پرداخته و سبکی را پیشه خود می سازند که با شرایط و نوع سازمان سازگار و همساز باشد.

از طریق استعاره، انسان ها آنچه را می دانند اما قادر به بیان آن نیستند به دیگران عرضه می کنند (Nonaka, ۱۹۹۱). استعاره ها چکیده ای تئوریک به وجود می آورند که می تواند برای توضیح پدیده ها در حوزه های بسیار گوناگون به کار رود (Kaarst-Brown and Robey, ۱۹۹۹). به اعتقاد بسیاری از محققان، استعاره ها می توانند واقعیت را بسازند، اعمال آینده را پیش بینی و راهنمایی کنند و یافته های تجربی را تقویت نمایند (Klagge, ۱۹۹۷). استعاره در تحقیقات، نه تنها مفاهیم سخت و پیچیده را به شکلی ساده بیان می نماید، بلکه می تواند به ایجاد مفاهیم جدید یا ارتباط بین مفاهیمی که تا کنون رابطه ای بین آن ها نبوده کمک کند (Lamberg and Parvinen, ۲۰۰۳). در حوزه علوم اجتماعی نیز، استعاره ها می توانند در ایجاد نمایی از جهان و درک بهتر از دنیای اطراف تاثیر گذار باشند (Mir and Watson, ۲۰۰۰).

#### ۴-۲ هرمنوتیک



به دلیل زبان نمادین عطار در منطق الطیر، از میان روشهای تحقیق گوناگون، هرمنوتیک انتخاب شده است. عطار در مورد شیوه شعری خود می‌گوید:

این کتاب آرایش است ایام را	خاص را داده نصیب و عام را
نظم من خاصیتی دارد عجیب	زانک هر دم بیشتر بخشد نصیب
گر بسی خواندن میسر آیدت	بی‌شکی هر بار خوشتر آیدت

وظیفه هرمنوتیک مشخص کردن نقش واژه‌ها و نمادهای پیچیده است. تحلیل‌گر باید نظامی تفسیری برای تحلیل متن و رؤیا و رازگشایی از معنای پنهان و تمایلات پشت نمادهای آن به ویژه آنهایی که معانی چندگانه دارند به وجود آورد. هرمنوتیک با مجاز دانستن امکان سطوح چندگانه معنایی منسجم می‌خواهد معنای درونی را که ممکن است در زیر معنای آشکار یا سطحی وجود داشته باشد معلوم کند. به طور کلی می‌توان هدف از هرمنوتیک را در قالب دو بیت زیر از مولانا خلاصه نمود:

ای برادر قصه چون پیمانه است      معنی اندر وی به سان دانه است  
دانه معنی بگیرد مرد عقل      ننگرد پیمانه را چون گشت نقل

امروزه هرمنوتیک به طور اعم و هرمنوتیک روشی به طور اخص (همانند پدیدارشناسی و زبان‌شناسی) در زمره روش‌های غیرتجربی و غیر پوزیتیویستی قرار دارد که جوهره اصلی آن را «معنا»، «ارتباط» و «فهم» تشکیل می‌دهد و حال آنکه جوهره روش‌های تجربی و پوزیتیویستی «علت»، «مشاهده» و «تبیین» است.

منطق الطیر به واسطه بهره‌گیری گسترده از آیات، روایات، قصه‌های رمزی، یک متن درون ماندگار است، به گونه‌ای که خود شیخ عطار نیز ادعای آن را داشته است. منطق الطیر، منظومه‌ای از نمادها، رمزها و مفاهیم قابل تفسیر و تاویل است که امکان بکارگیری رویکردهای هرمنوتیکی برای کشف لایه‌های پنهان معانی را دارد. این کتاب رمزی معانی بسیاری را در تبیین جهان عینی، مناسبات اجتماعی، جهان درونی انسان، مراتب معرفت بشری، مراحل سلوک به سوی حقیقت و ... را زیر ظاهر واژه‌ها و تمثیل‌ها و ... صورتبندی رمزی و نمادین کرده و پوشانده است.

### گام‌های تحقیق

بر اساس نظرات (Klein & Myers ۱۹۹۹)، گام‌های هرمنوتیک به ۷ دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- چرخه هرمنوتیک: دریافتن معنی متن با توجه به رابطه متقابل اجزاء و کل متن
- ۲- زمینه‌یابی: بررسی زمینه‌های تاریخی و اجتماعی دوران نویسنده و بررسی موارد مشابه
- ۳- تعامل با خبرگان
- ۴- درونی‌سازی و تعمیم
- ۵- استدلال محاوره‌ای: محقق باید مغایرت‌های میان پیش‌فرض‌ها و یافته‌ها را تعدیل نماید
- ۶- تفاسیر چندگانه

۷- تردید و حساسیت: محقق باید نسبت به تعصبات خود و اعوجاج‌های سیستماتیک حساس باشد و از پیش‌داوری پرهیز شود. بر اساس هفت گام فوق، در مرحله نخست تلاش شد تا با بررسی اجزاء و متن، به شباهت‌های هفت وادی عطار و مراحل حیات بشری پرداخته شود. پس از آن و در دومین مرحله، آثار شاعران و عارفان هم‌زمان یا هم‌فکر عطار بررسی و آثاری از مولانا، حافظ، فیض کاشانی و ... در باب هفت وادی استخراج شدند. برای پیشبرد اهداف مرحله سوم، از دیدگاه عقلانیت نقاد ۳ به مصاحبه با خبرگان شتافتیم. معیار انتخاب این استادان، آشنایی با آینده‌نگری و معرفت‌شناسی بوده است. با توجه به نتایج حاصل از سه مرحله قبل، تلاش شد تا درک مناسبی از تفاسیر هرمنوتیکی ایجاد شده، مغایرت میان پیش‌فرض‌ها و یافته‌ها تا حد امکان کاهش یابد. با توجه به این که کارشناسانی که با آن‌ها مصاحبه صورت پذیرفت در قبال اصل موضوع و تفسیر حاصل از آن در این تحقیق، نظرات نسبتاً مشابهی داشته و با اصول این تحقیق موافق بودند، مرحله ششم عملاً تأثیر چندانی در این تحقیق ایجاد نمود. در نهایت، یافته‌های حاصل از این مطالعه در قالب بندهای بعدی ارائه شده و تلاش شد از اعمال نظرات شخصی محقق و پیش‌داوری‌ها تا حد ممکن جلوگیری شود و پیش‌بینی آینده بر اساس یافته‌های تحقیقات دیگر محققان این حوزه و تطبیق آن با وادی‌های منطق الطیر انجام پذیرد.



## یافته ها

گفتیم که تلاش ما آن است که با مقایسه تطبیقی هفت وادی با اعصار مختلف حیات بشری، به پیش بینی ادامه این روند بپردازیم. در این راستا، از استعاره سیمرغ در منطق الطیر استفاده شده است. به قول هاتف اصفهانی :

هاتف ارباب معرفت که گهی مست خوانندشان و گه هوشیار  
از می و بزم و ساقی و مطرب و ز مغ و دیر و شاهد و زنار  
قصد ایشان نهفته اسراری است که به ایما کنند گاه اظهار

لذا ما نیز از ایما و اشارات عطار در منطق الطیر برای پیش بینی آینده بشری استفاده نموده ایم و با توجه به رویکرد استعاره ای این مقاله در انطباق وادی های هفت گانه منطق الطیر با دوره های حیات بشری، در این بخش به بیان مشابهت های آنها پرداخته می شود.

## تطابق وادی طلب با دوره ایللیاتی

طلب در لغت به معنای خواستن است. لذا اولین گام در دستیابی به معشوق، طلب است. از دیدگاه عطار، طلب به عنوان اولین منزل سلوک همراه با رنج و بلاست. در هر قدم دامی و با هر دم بلایی است. در این وادی سالک خود را در عظمت و شکوه بی کرانه محبوب، ذره ای بی مقدار می یابد که در مقایسه با هیمنه و شکوه راه در حساب نیست. او باید سالها تلاش نماید تا از این مرحله به سلامت عبور کند. بی طلب سفر سالک آغاز نخواهد شد و امکان رسیدن به وادی های بعدی و سرانجام وصول به سرچشمه نور معرفت هرگز فراهم نخواهد آمد.

بر اساس منطق الطیر، وادی طلب سخت ترین و طولانی ترین وادی از وادی های هفت گانه است که سالک باید با تلاش فراوان و گذشتن از همه چیز، نور حق را در دل خود احساس کند (احمدنژاد و صنعتی نیا، ۱۳۸۴).

چون فرو آیی به وادی طلب پیشت آید هر زمانی صد تعب  
جد و جهد اینجات باید سالها زانک اینجا قلب گرددکاره  
در میان خونت باید آمدن و از همه بیرونت باید آمدن

از سوی دیگر، دوره ایللیاتی طولانی ترین دوره حیات بشری است که هزاران سال به طول انجامیده است و انسان های آن عصر در مقابله با حیوانات وحشی و حوادث و بلایای طبیعی بی دفاع بوده و سختی های فراوانی کشیده اند (لوکاس، ۱۳۷۰). همچنین به دلیل عدم آگاهی آنان با روش های مبارزه با بیماری ها، مرگ و میر و بیماری به عنوان پدیده های طبیعی شناخته می شدند. لذا بارزترین وجه شبه میان وادی طلب و دوره ایللیاتی، سخت و طولانی بودن آنها می باشد.

## ۲-۵ تطابق وادی عشق با دوره کشاورزی

در لغت نامه دهخدا، علاوه بر "چیره گردیدن دوستی بر کسی"، از عشق به معنای "چسبیدن و التصاق به چیزی" یاد شده است. عشق، درجات مختلف دارد که از عشقهای زمینی آغاز گشته و به عشق الهی ختم می شود. عارفان بر این عقیده اند که عشق های مجازی راهی برای دستیابی به عشق الهی هستند. افلاطون نیز بر این عقیده است که چون آدمی جمالی زمینی را می بیند، آن زیبایی حقیقی را به یاد می آورد (نصیری، ۱۳۸۹).



از ویژگی‌های سالک، دل‌باختگی است که از آن به عنوان عاشق‌و‌شی یاد می‌کنند. سالک در وادی عشق عاقبت‌اندیشی را کنار گذاشته، عیش نقد دارد و به انتظار فردا نمی‌نشیند. عطار بیان می‌نماید که:

بعد از این وادی عشق آید پدید غرق آتش شد کسی کانجا رسید  
عاقبت‌اندیش نبود یک زمان درکشد خوش خوش بر آتش صد جهان  
هر چه دارد پاک در بازد به نقد وز وصال دوست می‌نازد به نقد  
دیگران را وعده فردا بود لیک او را نقد هم اینجا بود

عاشق، تمام توجه خود را به معشوق معطوف نموده و کمال خود را در وصال او می‌داند. البته او در این راه باید سختی‌های زیادی را به جان بخرد و به همین دلیل است که باید قدرت تحمل آن‌ها را داشته باشد.

مرد کار افتاده باید عشق را مردم آزاده باید عشق را

افلاطون در رساله مهمانی به این نکته در باب عشق توجه می‌نماید که عشق، زاییده نیاز است. او بر این باور است که عشق، اشتیاق به داشتن چیزی است که ندارم و یا اگر دارم، در تلاشم که آن را از دست ندهم. از همین رو، عشق می‌تواند حتی در تعیین رابطه آدمی با دیگران نیز تاثیرگذار باشد (قائمی نیا، ۱۳۸۱).

در دوره کشاورزی، زمین مبنای اقتصادی و زندگی و فرهنگ و ساختار خانواده و سیاست را تشکیل می‌داد (لوکاس، ۱۳۷۰) و انسان بیش از هر دوره دیگری به زمین وابسته بود. همین نیاز و وابستگی به زمین بود که این دوره را از دوره پیشین خود متمایز می‌ساخت. این وابستگی به حدی بوده که بر روابط میان انسانها و اجتماعات مختلف تاثیرگذار بود و جنگ‌ها برای کسب زمین یا حفظ آن ایجاد می‌شد.

از دیگر سو، کشاورزان در بیشتر سال‌های دوره ده هزار ساله دوره کشاورزی، تنها به اندازه نیاز خود تولید کرده و به دلیل عدم آگاهی از روش‌های حفظ و نگهداری مواد، آنچه داشتند نقد استفاده می‌نمودند. "چسبندگی" عاشق به معشوق و کشاورز به زمین، نیاز عاشق به کسب یا حفظ معشوق و نیاز انسان‌های دوران کشاورزی به بدست آوردن یا حفظ زمین - که هر دو بر روابط میان انسان‌ها تاثیرگذارند - و نیز عیش نقد داشتن در هر دو مقوله، وجوه شباهت بارز میان وادی عشق و دوران کشاورزی است.

### تطابق وادی معرفت با دوره صنعتی

معرفت نزد علما همان علم است و هر عالم به خدایتعالی عارف است و هر عارفی عالم. در این وادی، راه‌ها فراوان و متفاوت است و به واسطه این فراوانی راه‌ها، هر کس به اندازه ظرفیت خود به معرفت دست می‌یابد. در واقع این تفاوت‌ها به قدری می‌تواند عظیم باشد که سالکی به خداوند دست می‌یابد و سالکی دیگر بت‌پرست می‌گردد.

بعد از آن بنمایدت پیش نظر معرفت را وادی بی‌پا و سر  
هیچ ره در وی نه هم آن دیگرست سالک تن، سالک جان، دیگرست  
لاجرم بس ره که پیش آمد پدید هر یکی بر حد خویش آمد پدید  
سیر هر کس تا کمال وی بود قرب هر کس حسب حال وی بود  
معرفت زینجا تفاوت یافته است این یکی محراب و آن بت یافته است  
صد هزاران مرد گم گردد مدام تا یکی اسراربین گردد تمام

انقلاب صنعتی در کشور انگلیس روی داد و به تبع آن، در کشورهای دیگر مانند آمریکا، فرانسه و آلمان نیز جلوه نمود. این در حالی‌ست که بسیاری از مناطق و کشورهای دنیا از آن بی‌بهره بودند و هم اکنون برخی کشورهای عقب مانده، هنوز در گام‌های ابتدایی صنعت به



سر می‌برند. لذا وجه شبه این عصر با وادی معرفت، دستیابی عده‌ای معدود به علوم پیشرو است. از سوی دیگر، در دوره صنعتی در حوزه علوم مختلف، پیشرفتهای بسیاری به وجود آمد و شوق انسان‌ها برای پیشرفت افزایش شدیدی یافت. در وادی معرفت نیز سالک، تشنه کمال است و تلاش می‌کند برای نادانسته هایش، پاسخ بیابد. در پایان، با پیشرفت‌هایی که در این دوره حاصل شد، راه‌های جدیدی برای محققان در کشف موارد جدید باز شد.

### تطابق وادی استغنا با عصر اطلاعات

در این وادی هیچ چیز ارزشی ندارد و آخرین چاره برای طی این مرحله، آن است که سالک جان و دل نثار کند. کسی که به این وادی می‌رسد از همه چیز احساس بی‌نیازی می‌کند و اگر جهانی سختی و رنج کشیده باشد، انگار که خوابی دیده است و یا اگر هزاران نفر جان باختند، انگار شب‌نمی در دریا گم شد و خلاصه انسان به بی‌نیازی کامل میرسد و هیچ چیز غیر خدا برایش اهمیت ندارد. هم چنین در مقابل بحر بی‌پایان دوست، اجزاء جهان کوچک و بی ارزش هستند.

بعد از این وادی استغنا بود      نه در او دعوی و نه معنی بود  
می‌جهد از بی‌نیازی صرصری      می‌زند بر هم به یک دم کشوری  
هفت دریا یک شمر اینجا بود      هفت اخگر یک شرر اینجا بود  
گر شد اینجا جزء و کل، کلی تباه      کم شد از روی زمین یک برگ کاه

در عصر اطلاعات نیز با پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، انسان‌ها از ارتباطات رو در رو تا حدود بسیار زیادی بی‌نیاز می‌گردند. همانگونه که سالک در وادی استغنا به بی‌نیازی دست می‌یابد و غیر از خدا، هیچ چیز و هیچ‌کس برایش اهمیت ندارد، در عصر اطلاعات نیز انسان‌ها از ارتباطات رو در رو بی‌نیاز شده و تنها به "دسترسی به شبکه" نیاز دارند. با تشکیل دهکده جهانی، انسان‌ها به اجزایی کوچک از این دهکده تبدیل می‌شوند. افراد در عصر اطلاعات، از "شهرونده" به "شبکه وند" تبدیل می‌شوند. لذا وجه شبه در اینجا، بی‌نیازی و کوچک بودن انسان‌ها در دهکده جهانی است.

### تطابق وادی توحید با عصر همگرایی فناورانه

توحید، در لغت حکم است بر اینکه چیزی یکی است و علم داشتن به یکی بودن آنست و در اصطلاح اهل حقیقت تجرید ذات الهی است از آنچه در تصور یا فهم یا خیال یا وهم و یا ذهن آید. وادی توحید، در نام آن خلاصه شده است. در این وادی همه یکی می‌شود و این وحدت، ذاتی است نه عددی. کسی که به مقام توحید رسید؛ فانی می‌شود و سر از دو عالم بر می‌تابد. توحید گم شدن و محو گشتن است و تفرید آن است که گم شدن را نبینی.

بعد از این وادی توحید آیدت      منزل تفرید و تجرید آیدت  
روی‌ها چون زین بیابان در کنند      جمله سر از یک گریبان بر کنند  
گر بسی بینی عدد، گر اندکی      آن یکی باشد در این ره در یکی

وجه شبه میان وادی توحید و عصر همگرایی فناورانه، همگرایی است. در وادی توحید، سالک به مرحله‌ای می‌رسد که همه چیز را یکی می‌بیند. در عصر همگرایی فناورانه نیز، فناوری‌های گوناگون با یکدیگر تلفیق می‌شوند و تلاش می‌کنند در جنبه‌های مختلف، کیفیت زندگی بشری را افزایش دهند. حدود ۵۰۰ سال قبل، دانشمندان دوران رنسانس در زمینه‌های مختلف علمی به طور همزمان سرآمد بودند. اما امروزه، تخصص به بخش‌های مختلف تقسیم شده و هر کس تنها در حوزه کوچکی دارای تخصص است. علوم مختلف به حدی پیشرفت کرده‌اند که اگر می‌خواهند به رشد سریع خود ادامه دهند باید با هم متحد شوند. همگرایی علوم می‌تواند آغازگر یک رنسانس جدید فناوری، شناخت ریاضیات سیستم‌های پیچیده و درک جدیدی از روابط علت و معلولی در جهان فیزیکی از سطح نانو تا ابرککشان‌ها باشد (NSF report, ۲۰۰۳).





### تطابق وادی حیرت با عصر هوش مصنوعی

حیرت امری است که بر قلب عارف در موقع تفکر وارد می شود. در این وادی، کار سالک درد و حسرت است. در این وادی، سالک از نفی و اثبات بیرون است و به حکم حیرت، هیچ خبر و اثری از او نیست (احمدنژاد و صنعتی نیا، ۱۳۸۴). درباره حال حیرت و فرو بستن نطق هر یک از عارفان که بدین مرتبه رسیده اند به زبانی دیگر بیان کرده اند. به گفته عطار، در این وادی، کار سالک درد و حسرت است. در این وادی، سالک از نفی و اثبات بیرون است و به حکم حیرت، هیچ خبر و اثری از او نیست:

بعد از این وادی حیرت آیدت کار دائم درد و حسرت آیدت  
مرد حیران چون رسد این جایگاه در تحیر مانده و گم کرده راه  
هر چه زد توحید بر جانش رقم جمله گم گردد از او گم نیز هم  
گوید اصلا می ندانم چیز من وان ندانم هم ندانم نیز من  
عاشقم اما ندانم بر کیم نه مسلمانم نه کافر، پس چیم؟

ما این وادی را با عصر هوش مصنوعی همراستا می دانیم. اگر انسان قادر باشد هوشی مصنوعی ایجاد نماید که به اندازه خود بشر باهوش باشد، این هوش مصنوعی قادر خواهد بود خود را بهبود بخشد و هوش های مصنوعی بهتر از خود تولید نماید و این انفجار هوش مصنوعی خواهد بود. در نتیجه، اولین ماشین فوق هوشمندی که انسان اختراع کند، آخرین اختراعی خواهد بود که نیاز است انسان ها انجام دهند (Good, ۱۹۶۵). انتقال ذهن بشر به رایانه ۷ هم در راستای همین تفکر است. این کار می تواند به رشد نمایی و سریع در عرضه نیروی کار بسیار ماهر منجر شود. به این ترتیب که می توان با مجتمع کردن ذهن افراد خبره در زمینه های متفاوت در ذهن یک نفر (یا یک رایانه) به او دانش و تجربه های متفاوتی در یک زمان بخشید (Anderson, ۲۰۰۳).

هر چند که این دوره می تواند مزایای فراوانی برای بشریت به همراه داشته باشد، اما می تواند رنج ها و آلامی را نیز با خود بیاورد. در صورتی که انسان به فناوری هوش مصنوعی در اندازه هوش بشری دست یابد و بتوان مغز انسان را در رایانه ها شبیه سازی نمود، نیاز به تخصص بسیاری از متخصصان خصوصا در حوزه های فکری و تحقیقاتی از بین می رود و بیکاری یکی از دغدغه های عمده جوامع می گردد. از سویی استفاده از هوش مصنوعی برای تولید ربات ها و استفاده از آنان به جای انسان و از سوی دیگر استفاده از هوش مصنوعی به جای دانش متخصصان، باعث عدم نیاز به هر دو نیروی کاری و فکری می گردد. هم چنین، استفاده مناسب یا نامناسب از فناوری جدید، دو روی یک سکه هستند و سوء استفاده از این فناوریها، می تواند حوادث جبران ناپذیری را برای جامعه بشری به ارمغان بیاورد.

پس فناوری می تواند به عنوان شمشیری دولبه عمل کند و از یک سو به خوشبختی جامعه انسانی بیانجامد یا از سوی دیگر مضرات دردناکی را به همراه داشته باشد.

از سوی دیگر، با پیدایش هوش مصنوعی که به اندازه انسان ها هوشمند باشد، رشد علمی و فناورانه به حدی سرعت خواهد گرفت که انسانها در مقابل این تحول سریع متحیر خواهند ماند و خواهند دانست که تاکنون هیچ نمی دانسته اند.

### تطابق وادی فقر و فنا با عصر ابر انسان

فنا در اصطلاح صوفیه عبارت از مرحله آخر در سیرالی الله است. فقر نیز در اصطلاح تصوف سقوط اوصاف مذمومه از سالک است که بوسیله کثرت ریاضت حاصل می گردد و ضمنا فنا عدم احساس سالک به عالم ملک و ملکوت و استغراق اوست در عظمت رب العزت و مشاهده حق تعالی که مرحله نیستی و محو شدن سالک است از خود و بقای اوست در حق تعالی. به عبارت دیگر، فنا فانی شدن سالک در صفات الهی است و آن که شخص به خود و یا به هر چیزی از لوازم خود آگاه نباشد.

چون سالک در میخانه حیرت مست شد از در دیگر وارد بیابان فقر و فنا می شود. بنابراین توحید کامل متضمن فنای معشوق است در عاشق و تحمل این سوختن تنها در مستی و بی خویشی حیرت میسر است، و همین بی خویشی است که در وادی فنا به فراموشی و لنگی و کروی و بیهوشی و در نهایت، به خوشی محض منتهی می شود. اینجا گم شدن سایه در آفتاب و موج و حباب در بحر است. از این رو،



فقر و فنا که پایان راه عشق است همچنین پایان هستی عاشق و فناى مطلق او در معشوق است و این تنها چاره غم هجران است و جز آن هیچ حيله کارگر نیست.

بعد از این وادی فقر است و فنا کی بود اینجا سخن گفتن روا  
 عین وادی فراموشی بود لنگی و کری و بیهوشی بود  
 دل در این دریای پر آسودگی می‌نیابد هیچ جز گم بودگی  
 گر از این گم بودگی بازش دهند صنع بین گردد، بسی رازش دهند  
 چون همه در گام اول گم شدند تو جمادی گیر اگر مردم شدند  
 نبود او و او بود، چون باشد این از خیال عقل بیرون باشد این

کسی که به این وادی برسد، به رازهای بسیار آگاه می‌شود. در وادی فقر و فنا، سالک خود را در خداوند حل شده می‌بیند. در واقع، این همان جایی است که سی مرغ به درگاه سیمرغ می‌رسند و خود را شبیه همان سیمرغ می‌یابند. هنگامی که در خود می‌نگرند و هنگامی که در سیمرغ می‌نگرند، تفاوتی نمی‌بینند و در نهایت در او محو می‌گردند.

چون نگه کردند این سی مرغ زود بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود  
 خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ سی مرغ مدام  
 ور نظر در هر دو کردندى به هم هر دو یک سیمرغ بودى بیش و کم  
 بی زبان آمد از آن حضرت خطاب کآینه است این حضرت چون آفتاب  
 این همه وادی که از پس کرده اید این همه مردی که هر کس کرده اید  
 جمله در افعال مایی رفته‌اید وادی ذات صفت را خفته‌اید  
 محو ما گردید در صد عز و ناز تا به ما در یابید خویش را یابید باز  
 محو او گشتند آخر بر دوام سایه در خورشید گم شد و السلام

وادی فقر و فنا، با تبدیل شدن انسان‌ها به آنچه که از آن به تعبیر ابر انسان یاد می‌شود همراستا است. زمانی نیچه، فیلسوف آلمانی قرن نوزده، به بیان ابرمرد (ابر انسان) پرداخت: «ابر انسان تو را تعلیم می‌دهد. انسان موجودی است که باید بر او غلبه کرد. برای غلبه بر او چه کرده‌ای؟ همه آفریدگان تا این زمان چیزی ورای خویش آفریده‌اند: آیا می‌خواهی در فروکشند این موج بزرگ جای داشته باشی و به عوض آن که بر انسان غلبه کنی، به جایگاه جانوران بازگردی؟» (Nietzsche, ۲۰۰۴). این اتفاق برای انسان‌های نتاندرتال نیز افتاده است. آنان از لحاظ بدنی از انسان‌های هوشمند قوی‌تر بوده‌اند اما از توانایی‌های ادراکی و زبانی برخوردار نبوده‌اند و بدین دلیل، به رغم زندگی در جوار انسان هوشمند، با آنان توالد و تناسل نداشته و بتدریج منقرض شدند.

در این عصر، انسان‌ها با توجه به پیشرفت‌هایی که در اعصار همگرایی فناورانه و هوش مصنوعی ایجاد شده است، به ظرفیتهای شناختی بالاتر دست می‌یابند و با تغییراتی که به واسطه علوم زیستی بدان دست یافته‌اند، عمر خویش را افزایش می‌دهند. هم چنین به واسطه پیشرفت در عصر اطلاعات و همگرایی فناورانه، به فناوری ایجاد چیپ‌هایی که در زیر پوست قرار می‌گیرند دست می‌یابند. این چیپ‌ها که به شبکه متصل هستند، کلیه اطلاعات لازم در مورد هر فرد را بر روی خود ذخیره می‌نمایند. هم چنین زندگی انسان تنها در غالب شبکه قابل تعریف است و انسان‌هایی که در شبکه نباشند، به نوعی غیر زنده محسوب می‌گردند.

در وادی فقر و فنا، سالک در انوار خداوند محو می‌گردد و وجود او در قالب وجود معشوق تعریف می‌شود. این اتفاقی است که در عصر ابر انسان نیز برای انسان‌ها رخ داده و انسان‌ها به شبکه‌ای که هم پیوسته متصل می‌گردند و وجود خود را تنها در قالب شبکه می‌یابند. این همان جایگاه انسان کامل است که در ادبیات اسلامی از آن به عبد یاد می‌شود.

جمع بندی



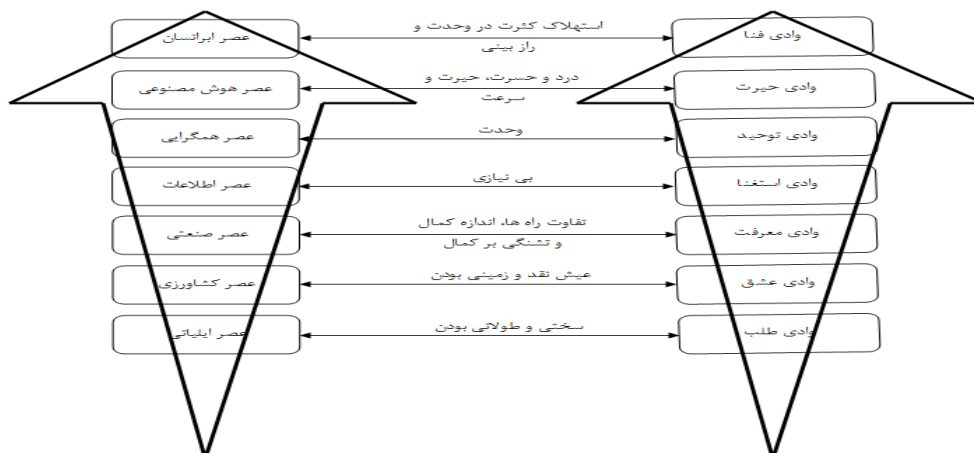
حال می‌توان ویژگی‌های هر وادی و دوره را به صورت خلاصه در جدول ذیل مشاهده نمود.

جدول ۱: تطابق وادی‌ها با اعصار

مرحله حیات بشری	وادی منطق الطیر	
<p>طولانی ترین عصر تاریخی است</p> <p>- استفاده از ابزارهای اولیه مانند سنگ و چوب</p> <p>- زاندمان تولید پاپین، اقتصاد معیشتی</p> <p>- انسان‌ها، جویندگان سرگردان خوراک بوده اند و جای ثابتی نداشته اند</p> <p>- به جای قانون، عرف داشتند و از ریش سفیدها پیروی می‌کرده اند.</p> <p>- اعتقادات ماورائی و نسبتاً خرافی داشته اند</p>	<p>- سخت ترین و طولانی ترین وادی است</p> <p>- نیاز به تلاش فراوان دارد</p> <p>- سالک باید از همه چیز بگذرد و دل پاک کند</p> <p>- با تابیدن نور حق، طلب هزار برابر می‌شود و سالک از همه چیز فارغ، تنها به جانان می‌اندیشد</p>	<p>۱- طلب</p> <p>یا</p> <p>ایلیاتی</p>
<p>زمین مبنای اقتصاد، فرهنگ، سیاست و ... را تشکیل می‌دهد</p> <p>- هر نوع کالا و خدماتی که تولید می‌کند به مصرف خویش می‌رساند</p> <p>- قدرت عضلانی، آب، باد و آفتاب، موتور حرکت و تلاش را روشن نگه می‌داشت.</p> <p>- در جامعه کشاورزی تکنولوژی بیش تر در لباس ابزار مشهور و معروف بود</p> <p>- تجارت ظهور و بروز پیدا نمود</p> <p>- تفکر عقلایی ایجاد شد اما تفکر عامه، خرافه پرستی بود</p>	<p>- عاشق، عاقبت اندیش و آینده نگر نیست</p> <p>- هرچه دارد پاک دریازد به نقد</p> <p>- پیوسته در سوز و کداز است تا به جایگاه خود برسد</p> <p>- بیش از آنکه به فرجام بیندیشد، در تلاش است</p> <p>- عاشق باید برد کارافتاده و آزاده باشد</p>	<p>۲- عشق</p> <p>یا</p> <p>کشاورزی</p>
<p>- برخی کشورها در این انقلاب پیشرو بودند در حالی که بسیاری کشورهای دیگر از آن بی بهره مانده بودند</p> <p>- با پیشرفت های خوبی که در اواخر دوره کشاورزی ایجاد شده بود، زمینه برای ظهور ابداعات و اختراعات گسترده آماده شده بود</p> <p>- پیشرفت های علمی بسیاری در این دوره حاصل شد</p> <p>- کاپیتالیزم صنعتی و مبتنی بر رقابت جایگزین کاپیتالیزم تجاری شد.</p> <p>- مهاجرت از روستا به شهر</p> <p>- اوج گیری شناخت علمی در زمینه شیمی و مکانیک</p> <p>- ظهور ایدئولوژی‌های بزرگ مانند لیبرالیسم، سوسیالیسم، کمونیسم و ...</p> <p>- استفاده از انرژی سوختهای فسیلی</p>	<p>- راه‌ها و روشهای کسب معرفت گوناگون است و هیچ یک شبیه به هم نیستند</p> <p>- هر کس به اندازه کمال و حسب حال خود به معرفت دست می‌یابد</p> <p>- هنگامی که آفتاب معرفت بتابد، سالک به اسرار زیرنقاب آگاه می‌شود</p> <p>- از بین هزاران سالک، یک نفر به تمام اسرار دست می‌یابد</p> <p>- سالک تشنه کمال است</p> <p>- سالک تلاش فراوان می‌کند تا برای نادانسته هایش پاسخ بیابد</p>	<p>۳- معرفت</p> <p>و</p> <p>صنعتی</p>
<p>- با دسترسی انسان‌ها به فناوری اطلاعات، نیاز به ارتباطات رو در رو به شدت کاهش یافته است</p> <p>- با تبدیل شدن جهان به دهکده جهانی، افراد به اجزاء کوچکی از این سیستم بزرگ و پیچیده تبدیل شده اند</p> <p>- برخی از مسائل نیز به قدری بزرگند که یک دولت به تنهایی نمی‌تواند آنها را کنترل کند مانند اقتصاد به هم پیوسته، تورم، سیاستهای پولی، آب و هوا و ... که اثرات فرامرزی هستند.</p> <p>- استفاده از انرژی های نوین و احیای ذرات (مانند انرژی اتمی)</p> <p>- بر سه پایه الکترونیک، رایانه و بیولوژیک استوار است</p> <p>- شرکت‌های بزرگ و واحدهای سیاسی تبدیل به شرکت‌های کوچک متصل به همدیگر می‌گردند</p> <p>- عدم وابستگی به مکان و زمان</p> <p>- تسریع در امر تصمیم گیری برای رقابت و انتقال اطلاعات</p>	<p>- بی نیازی</p> <p>- در مقابل بحر بی پایان معرفت، اجزاء جهان (مثل دریاها، افلاک و ستارگان) کوچک و بی ارزش هستند</p>	<p>۴- استغنا</p> <p>و</p> <p>اطلاعات</p>
<p>- همکاری فناوری‌هایی که پیش از این به صورت مجزا کار می‌کرده اند</p> <p>- بهبود ارتباطات و ادراکات انسانی</p> <p>- افزایش قدرت و سلامت بشر</p>	<p>- وحدت و یکی بودن</p>	<p>۵- توحید</p> <p>و</p> <p>همگرایی فناورانه</p>
<p>- تولید هوشی مصنوعی که به اندازه انسان باهوش است</p> <p>- تسریع شدید پیشرفت دانش بشری با استفاده از هوش مصنوعی</p> <p>- توانایی انتقال دانش انسان به رایانه</p> <p>- بیماری برخی کارگران، کارشناسان و متخصصان</p>	<p>- همراه درد و حسرت است</p> <p>- تحیر و کم کشندگی</p> <p>- سالک به جایگاهی می‌رسد که می‌فهمد هیچ نمی‌داند</p>	<p>۶- حیرت</p> <p>و</p> <p>هوش مصنوعی</p>
<p>- افزایش عمر انسان‌ها با استفاده از فناوری های پیشرفته</p> <p>- افزایش جمعیت زمین</p> <p>- افزایش ظرفیت های شناختی بشری</p> <p>- تعریف شدن انسان‌ها در قالب شبکه</p>	<p>- فراموش کردن خود</p> <p>- استهلاک کثرت در وحدت</p> <p>- حل شدن سالک در انوار خداوند</p> <p>- دست یافتن سالک به رازهای فراوان</p> <p>- این مرحله از خیال عقل بیرون است</p>	<p>۷- ابر انسان (همگرایی انسان‌ها)</p>



شکل زیر نشان‌دهنده خلاصه‌ای از تطبیق وادی‌های هفت گانه با مراحل حیات بشری و وجوه شباهت آن‌هاست.



شکل ۲: وجوه شباهت وادی‌ها و اعصار

در این مقاله، تلاش شد تا با استفاده از استعاره سیمرغ عطار، روش هرمنوتیک، مطالعه ادوار پیشین حیات بشری و تطبیق آنها با وادی‌های مذکور در منطق‌الطیر عطار، به پیش‌بینی مراحل پیش‌روی حیات بشری بپردازیم. اینک ما در آستانه گذار از عصر چهارم (عصر اطلاعات) به دوره پنجم (همگرایی فناورانه) به سر می‌بریم. تلاش‌ها برای یکپارچگی هر چه بیشتر فناوری‌های گوناگون آغاز شده است که مهمترین جنبه آن، همگرایی فناوری‌های نانو، زیستی، اطلاعات و شناختی (NBIC) می‌باشد. محققان بر این امیدند که در آتیه‌ای نه چندان دور، بتوانند با تلفیق این فناوری‌ها، گام‌های بلندی برای جامعه بشری بردارند. چنان‌که پیش از این نیز اشاره گردید، جوامع و سازمان‌هایی در آینده موفق و پیش‌تاز خواهند بود که بتوانند پیش از دیگران به این پیشرفت‌ها دست یابند.



## منابع

- Anderson, W.T. (2003), 'Augmentation, symbiosis, transcendence: technology and the future(s) of human identity', *Futures*, Vol. 35, pp. 535-546.
- Bureau, U.S.C. (2007), *Historical Estimates of World Population*. Available from <http://www.census.gov/ipc/www/worldhis.html>.
- Bostrom, N. (2009), *The future of humanity*, *New Waves in Philosophy of Technology*, eds. Jan-Kyrre Berg Olsen, Evan Selinger, & Soren Riis (New York: Palgrave MacMillan).
- Good, I. J. (1965), 'Speculations Concerning the First Ultraintelligent Machine', *Advances in Computers*, Vol. 7, pp. 31-88.
- Grunwald, A. (2007), 'Converging technologies: Visions, increased contingencies of the conditio humana, and search for orientation', *Futures*, Vol. 39, pp. 380-392.
- Hilbert, M. and Lopez, P. (2011), 'The world's technological capacity to store, communicate and compute information', *Science*, Vol. 332, No.6025, pp. 60-65.
- Kaarst-Brown, M.L. and Robey, D. (1999), 'More on myth, magic and metaphor, Cultural insights into the management of information technology in organizations', *Information Technology & People*, Vol. 12, No. 2, pp. 192-217.
- Klagge, J. (1997), 'Approaches to the iron cage: reconstructing the bars of Weber's metaphor', *Administrative Society*, Vol. 29, No. 1, pp. 63-78.
- Klein, H.K. and Myers, M.D. (1999), 'A set of principles for conducting and evaluating interpretive field studies in information systems', *MIS Quarterly*, Vol. 23, No. 1, pp. 67-94.
- Lamberg, J.A. and Parvinen, P. (2003), 'The River Metaphor for Strategic Management', *European Management Journal*, Vol. 21, No. 5, pp. 549-557.
- McDermott, W.B. (1990), 'The future as metaphor', *Futures*, Vol. 1, pp. 191-202.
- Mir, R. and Watson, A. (2000), 'Strategic management and the philosophy of science: the case for a constructivist methodology', *Strategic Management Journal*, vol. 21, pp. 941-953.
- Nietzsche, F.W. (2004), *Thus Spake Zarathustra*, Kessinger Publishing, p.4.
- NSF (2003), 'Converging Technologies for Improving Human Performance: NANOTECHNOLOGY, BIOTECHNOLOGY, INFORMATION TECHNOLOGY AND COGNITIVE SCIENCE', NSF/DOC-sponsored report, Dordrecht, The Netherlands.
- Nonaka, I. (1991), 'The knowledge-creating company', *Harvard Business Review*, Vol. 69 No. 6, pp. 96-104.
- Popper, K. (1983), *Realism and the aim of science*, Hutchinson.
- Slaughter R.A. (2000), 'A personal agenda for the 21st century', *Futures*, Vol. 32, No. 1, 43-53.

احمد نژاد، کامل و صنعتی نیا، فاطمه. ۱۳۸۴. احمدنژاد و صنعتی نیا، انتشارات زوار، ۱۳۸۴  
تافلر، الوین. ۱۳۷۲. موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، نشر نو، تهران.  
دورانت، ویلیام جیمز. ۱۳۳۷، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، انتشارات اقبال؛ فرانکلین.



سهروردی، شهاب‌الدین. ۱۳۷۴. صغیر سیمرغ، تهران، انتشارات مولی.  
قائم‌نیا، علیرضا، ۱۳۸۱. عشق زمینی و عشق آسمانی، کتاب نقد، شماره ۴۳، صص ۱۱۸-۱۰۷.  
لوکاس، هنری. ۱۳۷۰. تاریخ تمدن: از کهن‌ترین روزگاران تا سده ما، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، نشر کیهان.  
منزوی، علینقی. ۱۳۵۹، سی مرغ و سیمرغ، انتشارات سحر، تهران.  
نصیری، علی. ۱۳۸۹. عشق مجازی و رابطه آن با عشق حقیقی از دید عرفان اسلامی، کتاب نقد، شماره ۴۳، صص ۸۸-۵۷.  
نهری، جواهر لعل، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷)، جلد دوم

پی نوشت:

<sup>۱</sup> *Eolithic age*

<sup>۲</sup> *Nanotechnology, Biotechnology, Information technology and Cognitive sciences*

<sup>۳</sup> *Critical rationalism*

<sup>۴</sup> طبق دیدگاه عقلانیت نقاد، اختیار ابتدایی یک قضیه یا یک سیاست (از جمله خود عقلانیت نقاد) نه به وسیله عقل دیکته می‌شود و نه خلاف عقل است؛ آنچه که خلاف عقل است صرفاً عبارت است از حفظ قضیه یا سیاستی که تاب مقاومت در برابر انتقاد جدی را نمی‌آورد. این نکته با بحثی که موضوع این مطالعه است ارتباط نزدیک دارد. فلاسفه عقل‌گرای نقاد و رئالیست به تفصیل در این خصوص توضیح می‌دهند که رویکرد استقرایی در تعامل با واقعیت‌های بیرونی نه تنها کمکی به کسب معرفت نمی‌کند، که اساساً ناممکن و ناشدنی است (Popper, ۱۹۸۲). به همین دلیل در مواجهه با واقعیت تاریخی، این دسته از فلاسفه، بر خلاف فلاسفه پوزیتیویست و نیز اغلب فلاسفه هرمنیوتیست، و پدیدار شناس که نگاهی استقرایی به تاریخ دارند، درس‌آموزی از تاریخ را نه در گرو "مشاهده الگوهای تکرارپذیر در تاریخ" که رهین اتخاذ رویکردی به مراتب عمیق‌تر و سنجیده‌تر به تاریخ و تجربه‌های انباشته در آن می‌دانند. با توجه به موضوعات فوق‌الذکر، تلاش شد که در مصاحبه با خبرگان از رویکرد عقلانیت نقاد استفاده شده و تدهایی که ممکن است بر نظریه‌ها و یافته‌های این تحقیق وارد باشد، شناسایی و پاسخ داده شوند.

<sup>۵</sup> *Citizen*

<sup>۶</sup> *Netizen*

<sup>۷</sup> *Uploading*